

سنگ نبشته شیلهک - این شوشینک از سولقان شهپر کرد

عبدالمجید ارفعی*

چکیده

در این مقاله، متن سنگ نبشته‌ای از شیلهک-این شوشینک، فرمانروای بزرگ ایلام (حدود ۱۱۵۰ تا ۱۱۲۰ پ م)، ارائه شده است. در این سنگ نبشته ۲۸ سطری، همانند دیگر نوشته هایش، وی نخست خود و خانواده‌اش را معرفی کرده و از بهر همگی تندرستی و زندگانی دیر پای را آرزو می کند. سپس از برپایی این سنگ نبشته، نوشتن نام خود بر آن، بخشش زمینی به کسی که آیین ویژه دینی را برای او انجام داده است، سخن می گوید و سرانجام هزینه‌های برپایی آیین را بر می شمارد.

کلیدواژه‌ها: سنگ نبشته، ایلامی، شیلهک - این شوشینک، شکل‌هجا.

مقدمه

در تابستان ۱۳۸۵ نامه ای بی نام و نشان به همراه یادداشتی کوتاه و ۲۰ تصویر کوچک و بزرگ از یک سنگ نبشته به نگارنده رسید.
در یادداشت اشاره شده بود که این تصویرها، که با چاپگر چاپ شده بودند،

* پژوهشگر فرهنگ و زبان‌های باستانی آسیای غربی a.majid@arface.com

بخش‌هایی از سنگ نبشته‌ای اند که، در سولقان شهر کرد، در منزل کشاورزی عکس برداری شده‌اند. در این یادداشت، به این نکته که سنگ نبشته در کجا یافت شده، چگونه به خانه آن کشاورز راه یافته و در چه اندازه‌هایی است هیچ گونه اشاره‌ای نشده بود.

در همان آغاز، با خواندن نوشته‌های برخی از عکس‌ها دریافتم که این سنگ نبشته از آن شیلهک - این شوشینک فرمانروای بزرگ ایلام (حدود ۱۱۵۰ تا ۱۱۲۰ پ م)، است و، باتوجه به درستی شکل‌ها در بیشتر تصویرها، برایم آشکار شد که با سنگ نبشته‌ای راستین روبه‌رو هستم.

در ۲۰ سطر نخستین، شیلهک - این شوشینک نخست خود را معرفی می‌کند، سپس کسان خانواده خود را نام برده برای آنان و فرزندان‌شان تندرستی و زندگی (خوب) آرزو می‌کند.

سطرهای ۲۱ و ۲۲ درباره برپایی سنگ یادمان (همین سنگ نبشته) و نوشتن نام وی بر آن است.

سطرهای ۲۲ تا ۲۴ از اجرای آیین برپایی این سنگ نبشته، سخن رفته است. در سطرهای ۲۴ و ۲۵، از بخشش زمینی است در مکانی به نام مَنَن (Mannan) به کسی، که شاید یک ایلامی بوده باشد و آئین پرستاری او را برای وی انجام داده است، یاد می‌کند.

سطرهای ۲۶ تا ۲۸ درباره کالاهایی است که به عنوان هزینه پیشکشی‌های آیینی، به‌هنگام برپایی سنگ یادمان، تخصیص داده شده است.

متن سنگ نبشته از به هم پیوستن ۲۰ قطعه تصویر - که در اندازه‌های گوناگون بودند - فراهم شده است. تصویر یکپارچه سنگ نبشته، نتیجه تلاش بسیار پسر سورنا است و از این رو بسی سپاسگزار اویم. از همکارم سرکار خانم مرضیه کاظمی نیز که در فراهم آوردن این مقاله مرا یاری داده‌اند، بسیار سپاسگزارم.

1. Û v.Šil-ha-ak-d.In-su-uš-na-
2. ak ša-ak v.Šu-ut-ru-uk-d.Nab-
3. hu-un-te-ik li-ka₄-me ri-ša-
4. ak-ki ta-ak-ki-me-ú-me ta-ak-
5. ki-me f.d.Nab-hu-un-te-ú-tú ru-
6. tu₄ ha-ni-ik-ú-ri-me ta-ak-ki-
7. me v.Hu-te-lu-du-uš-d.In-su-uš-na-
8. ak-me ta-ak-ki-me f.d.Iš-ni-ka₄-ra-
9. ab-bàd-me ta-ak-ki-me f.Ú-ru-tuk-
10. d.El-ha-la-hu-me ta-ak-ki-me
11. v.Šil-bi-na-ha-am-ru-d.La-ka₄-mar-me ta-
12. ak-ki-me v.Ku-ti-ir-d.Hu-ban-me ta-ak-
13. ki-me f.Ú-tú-e-bi-ih-bi-d.Pi-ni-
14. gîr-me ta-ak-ki-me v.^aTe-im-ti-tu-
15. ur-ka₄-taj-me ta-ak-ki-me v.d.Li-li-
16. ir-taj-me ta-ak-ki-me f.Ba-ar-d.Ú-
17. li-me pu-hu ku-ji-ik-ú-be a-ak
18. f.d.Nah-hu-un-te-ú-tú-be a-a-ni-
19. ip ni-ka₄-be ku-uj hu-hu-un a-pi-e
20. hi-nu-un-ka₄ in-ti-ik-ka₄ a-ak
21. su-uh-mu-tú.lg-ú-ri hu-ut-ta-^aah^١
22. hi-ju-me a-ha ta-ah a-ak v.Du-^ahi(?)^١-
23. ir-li-ik-ma KUR(!).NIM(!)-ir-ra ja-ti-
24. mu-me hu-ut-ta-áj 10(?) + GUR(?) mu-ru-un.lg
25. h.Ma-an(-)an-na in-du-ni-ih a-ak
26. lu-uj-ku-tú-ma a-ak BÁN UDU.NITÁ.lg BÁN KAŠ(?).
27. IŠ.lg ZÍD.TA.lg gal-li su-
28. uh-mu-tú.lg-ya uk-ku-me ta-ab

ترجمه متن

| | |
|--|-------|
| من شیلک - این شوشینک | ۱-۲ |
| پسر شوتروک - نهونت، | ۲-۳ |
| سترش دهنده پادشاهی، | ۳-۴ |
| برای زندگانی خودم، | ۴-۵ |
| برای زندگانی نهونت - اوتو، | ۵-۶ |
| همسر محبوبم، | ۶-۷ |
| برای زندگانی هوتلودوش - این شوشینک، | ۶-۸ |
| برای زندگانی ایشنی - کرب - بد، | ۸-۹ |
| برای زندگانی اوروتوک - الهلهو، | ۹-۱۰ |
| برای زندگانی شیلین - همرو - لکمر، | ۱۰-۱۱ |
| برای زندگانی کوتیر - هوین، | ۱۱-۱۲ |
| برای زندگانی اوتو - اهیپی - پینیگیر، | ۱۲-۱۳ |
| برای زندگانی تمتی - تورکش، | ۱۴-۱۵ |
| برای زندگانی لیلی - ایرتش، | ۱۵-۱۶ |
| برای زندگانی پر - اولی، | ۱۶-۱۷ |
| فرزندان زاده شده (برای) من و | ۱۷ |
| نهونت - اوتو، | ۱۸ |
| زادگان خانواده ما، | ۱۸-۱۹ |
| نیز | ۲۰ |
| فرزندان آنان، دعا می کنم. | ۱۹ |
| و | ۲۰ |
| یادمان خود را ساختم (و) | ۲۱ |
| نام خود را (بر) آن نوشتم (معنی لغوی: نهادم) و | ۲۲ |
| (برای) دوهی ایرلیک (?)، یک ایلامی (?). (که آیین) پرستاری مرا | ۲۲-۲۳ |
| (یا: آیین پرستاری را برای من) برگزار کرد | |
| (P) ۱۰ کورو (?). (GUR = kurru?) زمین (ناحیه / شهر / ده) | ۲۴-۲۵ |
| Mannan را (هدیه) دادم و | |

| | |
|---|-------|
| ... | ۲۵ |
| یک گوسپند، ۱ سوتو (<i>sutu</i>) آبجو(؟)، یک سوتو آرد(؟) | ۲۵-۲۶ |
| (به عنوان) هزینة (پیشکشی)، | ۲۷ |
| برای (آئین برپایی) یادمانم تخصیص دادم (معنی لغوی: نهادم). | ۲۷-۲۸ |

یادداشت‌ها

برای ۲۰ سطر نخستین، که همانند برخی از نوشته‌های شیلهک- این شوشینک است، نک به EKI 41§ I و III و EKI 54§ 3 که ترتیب ارائه نام‌ها همانند این سنگ‌نبشته است. برای ترجمه سطرهای ۱۹ و ۲۰ نک Vallat 57-61. توضیح آن که نَهونت- اوتو پیش از آن که به همسری شیلهک- این شوشینک درآید، همسر برادر وی کوتیر- نَهونت (Kutir-Nahhunte) پادشاه ایلام (حدود ۱۱۵۵ تا ۱۱۵۰ پ م) بوده و از وی دارای شش فرزند به نام‌های هوتلودوش- این شوشینک (که پس از مرگ شیلهک- این شوشینک به پادشاهی ایلام می‌رسد [حدود ۱۱۲۰ تا ۱۱۰۰ پ م])، ایشنی- کَرَب- بد، اوروتوک- اِهَلهَو، شیلهین- همرو- لَکَمَر، کوتیر- هوبن و اوتو- اِهیهی- پینیگیر بوده و پس از آنکه به زنی شیلهک- این شوشینک درآمد دارای سه فرزند دیگر به نام‌های تمی- تورکتش، لیلی- ایرتش و پر- اولی می‌شود. (IRS, 175).

سطرهای ۲۱ و ۲۱:

| | |
|--------|--|
| hišume | hiš « نام » + u-me - « آن خود » : « نامم » |
| aha | قید مکان « اینجا » / « آنجا » (Grillot, 21:4) |
| tah | از بن فعلی *ta-، *da- « نهادن »، « قرار دادن »، صرف اول فعل (گذشته)، متعدی اول شخص مفرد: « نهادم »، « قرار دادم » = نوشتم. |

سطرهای ۲۲ تا ۲۴:

Duhirlik(?)(-)ma : اگر خواندن شکل "hi" (که درون آن آسیب دیده است) درست باشد، این نام یک بار همراه با پسوند اضافه‌ای "inna-"، در نبشته نه چندان سالم شوتروک- نَهونت دوم، فرمانروای ایلام، در سال‌های ۷۱۶ تا ۶۹۹ پ.م. آمده است. (EKI 74 § 8: 18f.).

در سنگ نبشته شیلپک - این شوشینک، به دنبال نام خاص، شکل هجای "ma" آمده است و برای آن باید دو احتمال را در نظر گرفت: یا باید آن را پسوندی که در پی نام خاص آمده دانست و یا آنکه نخستین هجای واژه پسین باشد. در ایلامی هخامنشی، اگر هجای "ma" به صورت پسوندی در پایان واژه ای بیاید، به آن واژه حالتی قیدی، قید مکانی، قید زمان موقتی و قید فاصله ای می دهد (PFT, s.v., 722 و Grillot, 26).^۱ تا کنون این پسوند در هیچ موردی پس از نام خاص دیده نشده است. شاید در این متن (و نیز در این دوره) در معنای "به"، "برای" برای تأکید فعل "دادن" (سطر ۲۵) یا برای نشان دادن مفعول بی واسطه به کار برده شده باشد. احتمال دیگر آنکه شاید هجای "ma" سرآغاز واژه پسین باشد.




با توجه به پسوند "irra-" (پایانه سوم شخص مفرد، به معنای "یک"، چون "یک پارسی") در پایان واژه پسین پس از نام خاص، این پسوند باید نشان دهنده توصیف نسبتی از کس نام برده شده باشد. پسوند صفت ساز "ir-" یا "irra-" را در ایلامی هخامنشی می توان در پایان واژه هایی مانند "Paršir" (به نمونه، DB 25:13)، "Parširra" (به نمونه، DB 52:77)، "یک پارسی" و "Haltamtira" و "Haltamtirra/-turra"، "یک ایلامی" (به نمونه، DB 16:57; 52: 50) و نیز در سه مورد به صورت "irri-" در ایلامی نو (EKI 74 §§ 24, 29, 30) دید.

شکل هجای پس از "ma" را می توان به دو صورت "KUR"، با ارزش های آوایی "kur" و "s/šad" در این دوره، و "TAR"، با ارزش های آوایی "tar" و "šil" در این دوره، خواند و شکل هجای پسین "NIM" را، با ارزش های آوایی "NIM(?)"، "tum₄" و "tu₈". بنابراین، واژه ای را که با هجای "ma" آغاز می شود می توان به یکی از صورت های زیر خواند: irra.makututu(m).irra، irra.mas/šadtu(m).irra، irra.matartu(m).irra و irra.mašiltu(m).نگارنده برای هیچ یک از این صورت های احتمالی و نیز حتی صورت های احتمالی دیگری که این واژه، با در نظر گرفتن ارزش های آوایی دیگر که این دو شکل در دوره های پسین داشته اند، هیچ گونه معنایی نیافته است.

مشکل دیگر آنکه دو شکل پس از شکل هجای "ma" را می توان به صورت "هزواری" میان دورودی KUR.NIM نیز خواند. واژه KUR.NIM در متن های میان دورودی و متن های غیر ایلامی ایلامیان به معنای "ایلام" است! (به نمونه: IRS, 29 [no. 17], 39 [no. 15], [no. 9]). دو مشکل عمده در خواندن این دو شکل به

۱) پسوند "ma-" در برخی از متن های باروی تخت جمشید به معنای "برای" به کار برده شده است که برای نشان دادن قید زمانی یا فاصله مکانی نیست. به نمونه نگ: PF 453: 1f.

صورت هزوارشی آنها این است که این صورت هزوارشی هرگز در هیچ دوره‌ای و در هیچ یک از نوشته‌های بازممانده به زبان ایلامی تا به امروز یافت نشده است و دیگر آنکه شکل هجای *MEŠ* که کم و بیش همیشه پس از واژه‌ای که در نوشته‌های ایلامی پس از نوشتن هزوارشی نوشته می‌شود و نشان‌دهنده هزوارش بودن واژه پیشین است، در پایان این "هزوارش" نیامده است. با توجه به نبودن شکل *MEŠ* پس از شکل واژه *GUR(?)* و نوشته شدن آن پس از واژه ایلامی "*murun*" مشکلی همانند مشکل نخستین نیست. با در نظر گرفتن همه احتمالات، نگارنده دو شکل پیش از *irra-* را با احتمالی بسیار اندک، "*KUR(!).NIM(!)*" یک ایلامی می‌خواند، تنها از این رو که این احتمال حداقل دارای معنایی قابل درک است.

ša-ti-mu-me: این واژه به نظر می‌آید مرگب از "*šatin*"، "پرستار" + "*-me*"، علامت اضافه و نیز شاید سازنده اسم معنی (PFT, s.v., 729) + "*u-me*"، "آن من" باشد. این عبارت به همراه "*huttaš*"، "انجام داد، برگزار کرد". به احتمال، معنای "پرستاری مرا برگزار کرد" و یا "برای من (آئین) پرستاری را برگزار کرد" را می‌رسانده است. شکل  در هیچ‌یک از شکل نامه‌های میخی ایلامی یا سومری-اگدی یافت نشد. از این رو، نگارنده، با استناد به واژه "*murun*"، "زمین" که در پی این شکل آمده است، و نیز فعل "*dunih*"، "دادم" در سطر ۲۵، می‌پندارد که شاید این شکل مرگب از دو شکل  (U "۱۰") و  (UR = اگدی: *kurru*) باشد. مقیاس *GUR* هم برای بیان حجم (حدود ۳۰۰ لیتر) به کار برده شده و هم برای زمینی به مساحت ۵۴،۰۰۰ آرش مربع یا حدود ۲۸۸،۱۱/۷۲ متر مربع (*CAD, K 564*). بنابراین اگر خواندن این شکل درست باشد، زمین (*murun*) هدایی به کس نام برده شده مساحتی در حدود ۸۸۷،۱۱۲/۲ متر مربع داشته است.

سطر ۲۵:

Mannan: نام باستانی جایی است که این سنگ‌نبشته در آنجای برپای داشته شده و به احتمال بسیار تا زمان یافت شدنش در همان جای بوده است. در گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید یک بار به مکانی به نام *Mannan* در متنی که هنوز به چاپ نرسیده برمی‌خوریم (*H-509*). براساس این گل‌نبشته، پرنک (*Parnaka*)، عموی داریوش و مسؤول امور مالی ایالت پارس و به احتمال بسیار زیاد شهربان (= ساتراپ) پارس، در

پنج جای به نام‌های *Kandamiš* و *Šanakan*، *Mikurtaš*، *Mannan*، *Mannuyan* برای مدت ۵ روز ۵ گوسپند دریافت می‌کند. به نام *Kandamiš*، یکی از این پنج جای، در چند متن از گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید بر می‌خوریم که در یکی از آنها همراه با (نقش) مهر ۹۷ است (PF 265).

این نقش مهر را ما بر روی دو گل‌نبشته‌ای که از آن شهرهای *Hiran* (PF 263) و *Ankarakkan* (PF 264) هستند، می‌یابیم. براساس آگاهی‌های به دست آمده از گل‌نبشته‌های تخت جمشید، *Hiran* بر سر راه *Parmizzan* (= خرامه امروزی) و نیریز جای داشته که امروزه به نام ده "خیر" (و نیز "ماه فرخان") خوانده می‌شود و در جنوب دریاچه بختگان جای دارد. *Ankarakkan* که پیوندهای بسیار نزدیکی با *Hiran* دارد نیز در همین ناحیه بوده است. بنابراین می‌توان گمان برد که *Kandamiš* و چهار جای دیگر، از جمله *Mannan* یاد شده در H-509 باید در این ناحیه یا در نزدیکی این ناحیه بوده باشند. حتی اگر تصور شود که پرنک این گوسپندان را به هنگام سفری پنج روزه دریافت کرده باشد، بیشترین فاصله نخستین جای و واپسین جای یاد شده در H-509 کم و بیش بین ۲۰ تا ۳۰ فرسنگ نمی‌تواند باشد؛ یعنی در حدود ۱۲۰ تا ۱۸۰ کیلومتر، به مراتب کمتر از فاصله محدوده شهرستان شهرکرد با شهرستان استهبان که ده "خیر" در آن جای دارد و این فاصله با یادداشت فرستاده شده همخوانی ندارد؛ از این رو، می‌توان دو احتمال را در نظر گرفت:

- ۱) این گزارش که این سنگ‌نبشته در ده سولقان شهرکرد عکسبرداری شده نادرست است؛
- ۲) با دو مکان هم نام روبرو هستیم که حتی در ایران امروزی هم به فراوانی دیده می‌شود و، به نظر نگارنده، این احتمال می‌تواند درست تر باشد.

سطر ۲۶:

du-uš-ku-ut/tú-ma از آن رو که این واژه در میان دو حرف عطف "a-ak"، "و" جای گرفته، به احتمال عبارتی کامل است و شاید *ku-ut/tú-ma* صورتی از بن فعلی "kuti-*"، «بردن» باشد، اما چگونه می‌توان آن را تجزیه و تحلیل کرد و معنای آن را دریافت، یرسشی است که شاید بتوان در آینده بدان پاسخ داد.

KAŠ(!) واپسین شکل سطر ۲۶ همانند شکل سطر ۲۵ که به احتمال ۱۰ GUR خوانده شده، نیز در هیچ یک از شکل‌نامه‌های میخی یافت نمی‌شود.

در باره این شکلاين احتمال را می‌توان در نظر گرفت که شاید گونه‌ای نوشتاری از

حرف BI باشد (حرف BI به صورت KAŠ نیز خوانده می شود که به معنای «آبجو» است). به احتمال، IŠ.lg در سطر بعدی نوع آبجو را بیان می کند. از آن رو که شکل MEŠ، نشان دهنده هزوارش بودن واژه، پس از شکل IŠ در سطر ۲۷ آمده است، نگارنده باید این احتمال را نیز در نظر داشته باشد که شاید IŠ مکملی آوایی باشد که به جای هجای aš به کار برده شده است و به خواننده یادآور می شود که باید شکل BI را KAŠ بخواند. در این صورت، باید آن را به صورت KAŠ.İg حرف نویسی کنیم - نوشتن این گونه مکمل آوایی که از نظر آوایی با تلفظ اصلی همخوانی دارد، که البته در اینجا همخوانی ندارد، در بین النهرین بسیار مرسوم بوده است - یا به جای این که شکل پایان سطر ۲۶ را KAŠ بخوانیم، آن را صورتی نوشتاری از حرف GA بدانیم که در این صورت می توانیم آن را KÀ بخوانیم. در این صورت، دو شکل مورد بحث را باید KÀ.IŠ.(İg) بخوانیم و آن را نوعی شبه هزوارش به شمار آوریم. نگارنده برای شکل واژه IŠ هیچ گونه معنایی که برای صفت به کار برده شده باشد نیافت.

سطر ۲۷:

ZÍD.TA.lg "آرد؟": واژه آرد همواره به صورت ZÍD.DA.lg نوشته می شود. اگر این برداشت که کالای پیشکش شده "آرد" است، درست باشد باید گفت که به جای نوشتن شکل DA به اشتباه شکل TA نوشته شده است. در زبان ایلامی، نویسندگان در نوشتن مصوت های واک دار و بی واک و نیز در مورد pi و ba تفاوتی قایل نمی شدند (PFT, 70). گاه برخی از شکل ها را با احتمال داشتن تلفظی به نادرست به جای شکل دیگری بکار می بردند. (ارفعی، یاد یار مهربان، ۹۲ یادداشت سطر ۶). اما به هنگام نوشتن وام واژه ها، تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد، چنین امری سابقه ندارد.

galli (= gal + -i)، "هزینه اش": واژه gal، که در متن های پرداختی گل نبشته های باروی تخت جمشید بسیار به کار رفته است، همواره به "دستمزد"، "موجب" (و نیز جیره جانوران) ترجمه شده است (PFT, s.v., 685). در این عبارت و نیز در نوشته شوتروک - نهونت دوم (EKI 74 §§ 46, 51, 52) واژه gal را نمی توان به "دستمزد" یا "موجب" ترجمه کرد. از این رو، نگارنده ترجمه "پرداخت هزینه" (آیین) را پیشنهاد می کند و این پیشنهاد می تواند نارسایی ترجمه این واژه را، در متن هایی که در آنها از برگزاری آئین دینی lan سخن رفته (متن های گروه K1 در PFT) و نیز در متن DSz: 15، حل می کند.

سطر ۲۸:

ukku-me tah "بر روی آن نهادم": ukku قید مکان: "روی"، «بر». tah از بن فعلی "ta-"، "نهادن"، صرف اول فعل (گذشته) متعدی، اول شخص مفرد: "نهادم". ترکیب ukku-me tah در عبارت های مشابه به صورت ukku-me zuzkatah (EKI 46 § 4) در متنی از شیلهک - این شوشینگ و ukkume en zuzkanka (EKI 15 § IV) در متنی از اونتش - نیپریش آمده، که با صورت ukku/e zikkaka/daka "به (حساب) او واریز شد"، در گل نبشته های باروی تخت جمشید، متن های گروه C1 قابل مقایسه است. این عبارت در اینجا «برای آن تخصیص دادم» معنی شده است.

کوتاه نوشته‌ها

| | |
|------|--|
| EKI: | <i>Die elamischen Königsinschriften</i> |
| IRS: | <i>Les Inscriptions Royales de Suse</i> |
| MDP: | <i>Mémoires de la Délégation Archéologique en Perse/Iran</i> |
| PFT: | نشان دهنده متن های چاپ شده در PFT |
| PFT: | <i>Persepolis Fortification Tablets</i> |

منابع

- Borger, Rykle 2004. "Mesopotamischen Zeichenlexikon", *Alter Orient und Altes Testament*, Band 305, Münster: Ugarit Verlag.
- Grillot, Françoise S. avec la Collaboration de Cloude Roche. 1987. *Éléments de Grammaire Élamite*, Paris: Éditions Recherche sur les Civilisations.
- Hallock, Richard T. 1969. "Persepolis Fortification Tablets", *Oriental Institute Publications*, 92, Chicago: The University of Chicago Press.
- König, Friedrich W. 1977. "Die elamischen Königsinschriften", *Archiv für Orientforschung*, Beiheft 16, Osnabrück: Biblio verlag.
- Malbran-Labat, Florence 1955. *Les Inscriptions Royales de Suse, Briques de l'époque paléo-élamite à l'Empire néo-élamite*, Paris: Éditions de la Réunion des musées nationaux.
- Steve, M. J. 1987. "Nouveaux Mélanges Épigraphiques, Inscriptions Royales de Susa et de la Susiane", *Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran*, 53, Nice: Edition Serre.
- Vallat, F. 1970. "Tablet Élamite de Darius I^{er}", *Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale*, 64, 149-160.